

دیپلماسی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در گام دوم انقلاب با تأکید بر برنامه هفتم توسعه کشور

حمیدرضا مختاری نژاد^۱ | سمیه وریج کاظمی^۲

چکیده

یکی از اولویت‌های راهبردی دولت‌ها در تحولات جهانی توأم با پیشبرد اهداف سیاسی، امنیتی و فرهنگی، تلاش برای تضمین روابط اقتصادی می‌باشد. به‌طوری‌که در بستر متحول این دگرذیسی جهانی و همنشین-سازی کشورها، کارکرد اقتصادی به حوزه پرکاربرد در سیاست‌های کلان خارجی منجر به ایجاد تغییر در نحوه به‌کارگیری «دیپلماسی» و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل تحت عنوان «دیپلماسی اقتصادی» گردیده است. بر این اساس، این مطالعه با هدف تبیین و تحلیل دیپلماسی اقتصادی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور با رویکرد اقتصاد مقاومتی و کمک به تحقق بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب در پیوند با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور، به صورت مروری، اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه و صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که دستگاه دیپلماسی کشور در گام دوم انقلاب با رویکرد دیپلماسی اقتصادی و توجه عملی به ظرفیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با توسعه پیوندهای راهبردی و اقتصادی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان، می‌تواند با توسعه تعاملات دوجانبه، در مجامع جهانی ارتباطات منطقه‌ای و جهانی و حضور فعال و مؤثر داشته باشد. همچنین با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی بالفعل و بالقوه بخش‌های مزیت‌دار بین‌المللی، ضمن جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان با تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه، با تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج، موجبات کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور و سیاست‌های کلان خارجی جمهوری اسلامی ایران تحقق یابد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، آسیب‌پذیری اقتصاد، گام دوم انقلاب.

۱

سال اول

بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۱۳

صص: ۵۳-۸۰



۱. کارشناسی ارشد حسابداری، مربی سازمانی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۲. دانشیار معلم-آموزش و پرورش، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه دیپلماسی در بستر دگردیسی‌های جهانی و در نتیجه تحولات مفهومی و مصداقی فراتر از قالب‌های مضیق سنتی، در حوزه‌های موضوعی و کارگزاری مختلف فعال شده است. در بستر این روند متحول، اقتصاد به حوزه‌ی پرکاربرد دیپلماسی و درواقع، بنا به ضرورت‌های متعدد به الزام سیاست خارجی کشورها بدل گشته است. دولت‌ها به اهداف اقتصادی در مراتب اهداف ملی اولویت بخشیده‌اند و تأمین آن را نه فقط با اتکا به منابع داخلی و در سطح ملی بلکه با بهره‌گیری از منابع خارجی و در سطوح فراملی دنبال می‌کنند. در این معنا، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اولویت‌بخشی به اهداف اقتصادی در سیاست خارجی بوده و از ابزارهای مهم پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی کشورها به عنوان هدفی ملی محسوب می‌شود (سلیمانی، ۱۴۰۱).

اقتصاد ایران نیز از سال ۱۳۸۹ در معرض دور جدیدی از شوک‌های تحریمی برون‌زا، آگاهانه و هوشمند به نام تحریم قرار گرفته است (امیری و کریم، ۱۳۹۷). در مقطع کنونی هم که با تحریم‌های بین‌المللی مواجهیم، اهمیت مقوله اقتصاد افزایش یافته و رفع بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی هم به آن وابسته است. همچنین یکی از بزرگ انقلاب اسلامی ایران این است که خیلی زود به استقلال سیاسی دست یافت و راه‌های نفوذ در نظام سیاسی ایران و تأثیرگذاری بر اراده‌ها و تصمیمات دولت‌مردان ایرانی، بر روی آمریکا و انگلیس مسدود شد. به یمن این دستاورد، ایران از جرگه کشورهای اقماری آمریکا خارج شد و در مجموعه کشورهای اندک شمار مستقل جای گرفت.

این دستاورد، اگرچه در سال‌های اخیر مورد تهدید قرار گرفته، اما همچنان پابرجا است. برعکس، انقلاب اسلامی در دستیابی به استقلال اقتصادی و بریدن رشته‌های وابستگی ایران به اقتصاد کشورهای متخاصم، توفیق کامل نیافت و با اینکه بیشتر دولت‌های بر سر کار آمده پس از انقلاب، هرکدام به نوبه خود و به نسبت توانایی‌ها و امکانات موجود، کم‌وبیش در مسیر رسیدن به استقلال اقتصادی کوشیدند، وابستگی همچنان پایدار ماند و در سال‌های اخیر

به صورت نقطه ضعفی مهم و دست‌آویزی برای فشار قدرت‌های جهانی بر جمهوری اسلامی درآمده است. همان‌طوری که در چند سال اخیر شاهد هستیم وحدت نسبی امپریالیسم انگلیس، آمریکا و تا حدودی اروپا و هماهنگی انحصارهای نفتی این کشورها در تحریم اقتصادی ایران، عزت و امنیت ایران را مورد تهدید قرار داده است؛ زیرا وابستگی و ضعف اقتصادی در موقعیت کنونی جهانی مهم‌ترین ابزار نظام‌های سلطه‌گر است و اندک‌اند ملت‌هایی که توانسته باشند به استقلال اقتصادی واقعی دست یابند. بر مبنای استدلال منطقی و بر اساس اظهارهای مقام‌های تحریم‌کننده و نیز اقتصاددانان داخلی، به طور عمده نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران تحت هجمه تحریم‌ها قرار گرفته‌اند؛ طبق این استدلال و بر اساس حقایق آشکارشده، مقاوم‌سازی اقتصاد ایران و رفع آسیب‌پذیری‌ها در مقام نظر، آسان‌تر شده و در این میان، داشتن عزم و اراده جدی، شرط لازم و کافی است.

ناگفته نماند در تاریخ ایران از عوامل اصلی خارجی سقوط نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق برای به شکست کشاندن نهضت ملی و مقابله با پیامدهای ناشی از ملی شدن صنعت نفت، نیز از یک‌طرف همین هماهنگی و وحدت نسبی تحریم‌های اقتصادی انگلیس، آمریکا، فرانسه و هلند و از طرفی دیگر تردید در اقدامات بازدارنده و عدم قاطعیت دولت از انجام اقدامات به موقع بوده است (مالک، ۱۳۹۵).

از ویژگی‌های اقتصاد ایران، از یک‌طرف تک‌محصولی بودن و وابستگی بودجه به نفت، عدم خودکفایی در تولید غذاهای اساسی، وابستگی الگوی مصرف به خارج، پایین بودن صادرات غیرنفتی، وجود فساد در اقتصاد و از طرفی دیگر ناکارآمدی بخش دولتی از علل وابستگی به خارج تعبیر می‌شود (احمدی، ۱۳۷۹). تا جایی که مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نسبت به تأثیر منفی وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ دنیا، بر عزت و استقلال ایران هشدار می‌دهد و آن را عاملی برای کوتاه آمدن از مواضع انقلابی و اسلامی می‌شمارد و ضرورت مقاوم‌سازی اقتصاد ملی را گوشزد می‌کند. به‌طوری که رهبر فرزانه انقلاب با هوشمندی و آینده‌نگری مثال‌زدنی خود، دست دشمنان را از پیش خوانده

و برای خنثی‌سازی اقدامات مخرب آنان در جهت وارد کردن ضربه کاری به اقتدار و عزت ایران اسلامی از راه تحریم‌ها و توطئه‌های اقتصادی، علاوه بر نام‌گذاری شعار در چند سال اخیر بر محور اقتصاد، در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ با طرح الگوی «اقتصاد مقاومتی»^۱ نوعی استراتژی را در مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در قالب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به قوای سه‌گانه ابلاغ نمودند.

در همین راستا منظور مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برافزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی تأکید و علاوه بر آن معظم‌له در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور بر تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان و همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب بر ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی به‌عنوان موتور پیشران کشور و راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور را اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برنامه‌های کشور توصیه نمودند.

مزید بر آن با گسترش توجه به کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از خام‌فروشی نفت، امید است ضمن شناخت و درک صحیح مفاهیم، کلیات و چیستی دیپلماسی فعال اقتصادی و دستیابی به آن با تبیین جایگاه و اهمیت دیپلماسی اقتصادی در مسیر اقتصاد مقاومتی هموارتر گردد و بدین سبب بتوان در گام دوم انقلاب اسلامی با نگاه خوش‌بینانه به آینده سیاست‌های خارجی دستگاه دیپلماسی ضمن مرزبندی با دشمنان و زمین‌گیر شدن آنان، در تعاملات بین‌المللی بیش‌ازپیش شاهد پیشرفت اقتصادی کشور و گسترش حضور قدرتمندانه و دشمن‌شکن جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان و تحقق سیاست‌های خارجی برنامه هفتم توسعه کشور باشیم.

۱. Resilience Economy

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی می‌باشیم که نقش دستگاه دیپلماسی کشور در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد جمهوری اسلامی ایران چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

یکی از عوامل ناامنی داخلی در اقتصاد، عدم استقلال اقتصادی است که با افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد، در شرایط بروز شوک‌های بیرونی - به‌طور خاص تحریم‌های اقتصادی - کشور را دچار تلاطم می‌کند؛ به گونه‌ای که توانایی تولید نیازمندی‌های جامعه در

حد قابل قبولی از رفاه، مختل شده و به ناچار چنین جامعه‌ای در اداره امور اقتصادی، نیازمند و متکی به دیگران خواهد بود (خادم‌علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵). سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا اقتصاد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی، بدون تبیین عمیق و شناخت دیپلماسی اقتصادی و بدون توجه عملی و تکیه به اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور، زمینه‌های تحقق آن با نگاه امیدوارانه و انقلابی به دستگاه دیپلماسی، در عرصه اقتصاد بین‌الملل آسیب‌ناپذیر خواهد شد؟

اقتصاد کشور ایران، در حال حاضر به دلیل ضعف‌هایی که در درون خود دارد مانند دولتی بودن اقتصاد، تک‌محصولی بودن و تکیه بر خام‌فروشی نفت، وجود فساد در اقتصاد و... در مقابل تحریم‌های ذکر شده بسیار آسیب‌پذیر نشان داده است. به علت این آسیب‌پذیری، اقتصاد کشور نمی‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای که قدرت اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران را در صحنه سیاست‌های بین‌المللی بالا ببرد ایفای نقش نماید. لذا این تحقیق به‌منظور دستیابی به دیپلماسی فعال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و تحقق سیاست‌های کلان خارجی کشور با تشریح عناصر اصلی این مطالعه یعنی معنا و مفهوم دیپلماسی، اهمیت و ضرورت آن و کارکرد دیپلماسی اقتصادی در استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و بر تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان صورت گرفته است.

امید است که با انجام این تحقیق درک بهتری در زمینه تأثیر موارد فوق بر تقویت جایگاه دستگاه دیپلماسی در عرصه بین‌الملل و توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و به‌ویژه همسایگان، حاصل شده و یافته‌های این پژوهش بتواند در جهت حمایت از هدف‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی به‌عنوان موتور پیشران کشور، به انجام مطالعات و تحقیقات بیشتر در این زمینه کمک کند.

دیپلماسی و سیاست‌های کلان اقتصادی

دیپلماسی واژه‌ای است برگرفته از کلمه یونانی «دیپلما»^۱ و در زبان انگلیسی با واژه رایج «دیپلماسی»^۲ شناخته شده است. دیپلماسی دانشی است که روابط بین ملت‌ها و دولت‌ها را سازمان‌دهی، تنظیم و هدایت می‌کند و سیاست خارجی در چارچوب قدرت و منافع ملی در تعیین ساختار، تدوین و اجرای امور خود به منظور تعامل با سایر دولت‌ها از این دانش بهره می‌گیرد (حق‌شناس کمیاب، ۱۳۹۰). گسترش بازارهای جهانی و ارتباط روزافزون بین کشورهای مختلف باعث شده است که محیط تجاری بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی با تغییر و تحولات زیادی روبه‌رو شود. در این شرایط، مفاهیم «دیپلماسی اقتصادی»^۳ از اهمیت بسزایی برخوردار است.

از نظر موسوی شفیایی (۱۳۸۸)، اساس شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است (دهقانی فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی به موضوعات سیاست کلان اقتصادی می‌پردازد و به دنبال تأمین اهداف و منافع توسعه‌ای کشور است. مسائلی از قبیل ثبات اقتصادی، امنیت غذایی، تأمین مسکن، مبارزه با فقر، حفظ محیط‌زیست، بهداشت و سلامت جامعه، آموزش، اشتغال‌آفرینی، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های صنعتی، قانون رقابت و منطقه‌گرایی از مقوله‌هایی هستند که مورد توجه دیپلماسی اقتصادی است (فتحی و پاکدامن، ۱۳۸۹). در واقع دیپلماسی اقتصادی فرآیندی است که از طریق آن کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند تا منافع ملی خودشان را در زمینه فعالیت‌هایی که شامل

۱. Diploma

۲. Diplomacy

۳. Economic Diplomacy

تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر اشکال مبادلات سودآور اقتصادی که از مزیت نسبی در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه برخوردارند، به حداکثر برسانند (رانا^۱، ۲۰۰۷).

در تعریف اصطلاح دیپلماسی اقتصادی باید گفت که به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند که در واقع فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی است (بارانی^۲، ۲۰۰۹). از نظر شهید مطهری (ره)، هر ملتی که از لحاظ اقتصاد، دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده اوست و اعتباری به تعارف‌های دیپلماسی معموله نیست. به قول نهرو «ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد» (اختری، ۱۳۹۲). هدف عمده دیپلماسی اقتصادی، کمک به توسعه اقتصاد ملی و کارکرد اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک است، خواه با ابزارهای اقتصادی و غیراقتصادی (پلای^۳، ۲۰۱۰).

از این رو، باید توجه داشت ترسیم یک دیپلماسی اقتصادی موفق بدون در نظر گرفتن اولویت‌های توسعه ملی از یک سو و درک منطق بازار جهانی، بسیار بعید به نظر می‌رسد (سبحان^۴، ۲۰۰۹). با این وجود می‌توان مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه را شامل تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری، بهبود تصویر کشور و دستیابی به فناوری و علم دانست (نارای^۵، ۲۰۰۸). به گونه‌ای که در دوران حاضر ایجاد فضای لازم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله شرایط الزامی بستر تعامل با اقتصاد جهانی را تشکیل داده است (دهقانی فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱).

۱. Rana

۲. Baranay

۳. Ploae

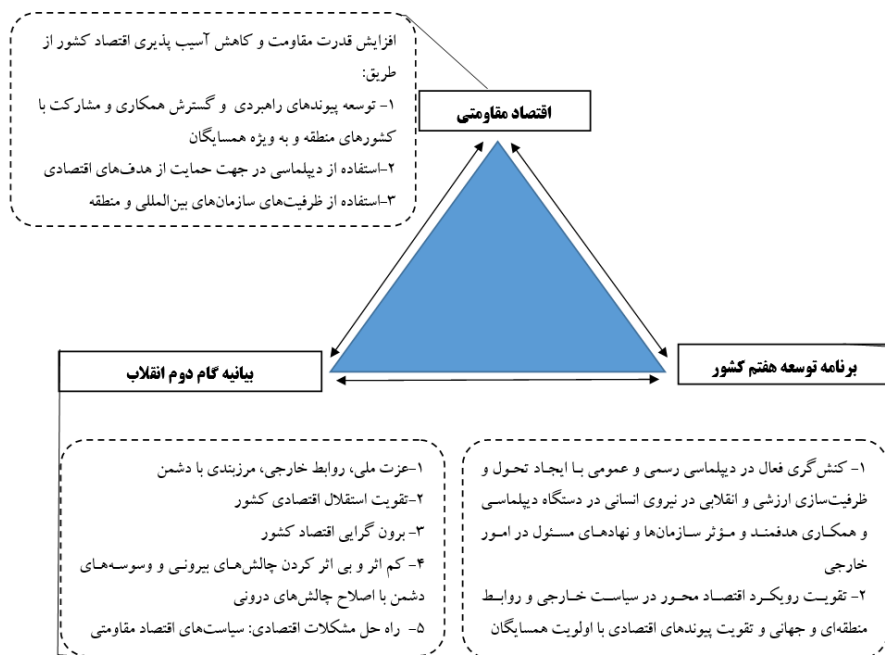
۴. Sobhan

۵. Naray

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بند ۱۰، بر تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه و در بند ۱۱، بر تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج تأکید نمودند. همچنین در بند ۱۲ این سیاست‌ها، بر افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و به‌ویژه همسایگان، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تأکید شده است (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

در واقع اقتصاد مقاومتی بیش از آن که یک شعار باشد، نوعی استراتژی برای مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری است. نمودار شماره ۱ مشخصه‌های سیاست‌های کلی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را با رویکرد اقتصاد مقاومتی و پیوند با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور در گام دوم انقلاب نشان می‌دهد.

نمودار ۱- مشخصه‌های سیاست‌های کلان دیپلماسی اقتصادی کشور



ضرورت قرارگیری دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه از آن جهت است که این برنامه‌ها به‌عنوان اسناد میانی در مراتبی پس از اسناد کلان مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نقش بسیار مهمی در تحقق اولویت‌ها و اهداف اقتصادی و جهت‌دهی به سیاست‌های توسعه‌گرا در سطوح داخلی و خارجی در یک بازه زمانی مشخص ایفا می‌کنند. به دیگر سخن، پیشبرد این دسته از اهداف مندرج در برنامه توسعه نیازمند دیپلماسی اقتصادی مدون و منسجم به‌عنوان ابزار نوین تعامل در اقتصاد بین‌الملل است تا از رهگذر آن سهم کشور از بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی مشخص شود (ارغوانی پیرسلامی و غلامی، ۱۳۹۷).

از این‌رو می‌توان در گام دوم انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی را به‌صورت راهبردی تعریف کرد که در پی کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است. به عبارت دیگر، نتیجه اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که افزون بر آسیب‌پذیری پایین به‌ویژه آسیب‌پذیری

ناشی از سیاست‌گذاری قابلیت جذب، مدیریت و بهره‌برداری از شوک‌های مثبت و منفی پدید آمده بر اثر تحول‌ها را دارد. علاوه بر آن با برنامه‌ریزی در جهت کاهش آسیب‌پذیری که افزون بر نقش اصیل خود با تأثیر بر تاب‌آوری و افزایش آن شکل فعالانه‌تری به خود می‌گیرد و نیز کوشش برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور می‌تواند به اقتصادی مقاوم در کشور بینجامد. نمونه بارز برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیری می‌تواند در پیوند با سیاست‌گذاری‌های دیپلماسی اقتصادی در گام دوم انقلاب تبلور یابد. کامیابی برنامه‌ریزی با هر هدف و الگویی، بدون دسترسی به اطلاعات فراگیر و جدید درباره وضع موجود و نیز بدون ترسیم شاخص‌های کمی وضع مطلوب، تقریباً محال است (خاندوزی، ۱۳۸۹). برنامه هفتم توسعه کشور برای اجرایی‌سازی اولویت‌ها و اهداف توسعه‌گرایانه اقتصادی نیازمند طراحی دیپلماسی اقتصادی منسجم و واقع‌بینانه است. لذا در ادامه جهت اهمیت و درک بیشتر به تشریح ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی حاصل از مطالعه پرداخته می‌شود.

آسیب‌پذیری اقتصادی

آسیب‌پذیری اقتصادی در سطح کلان مفهومی است که از آن برای ارزیابی زیان‌های احتمالی تکانه‌های خارجی و احتمال بروز بحران‌های اقتصادی استفاده می‌شود. امروزه استفاده از این مفهوم برای کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه‌یافته در قالب شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی و یا مقاومت اقتصادی رایج است. در ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی در بین متون علمی مختلف در مورد شناسایی ویژگی‌های ساختاری که منشأ مواجهه یک اقتصاد با تکانه‌ها هستند، اتفاق نظر وجود ندارد. برای مثال، برخی از مطالعات بر اندازه و مکان به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری تعیین‌کننده در میزان مواجهه یک کشور با تکانه‌ها تأکید دارند و برخی دیگر وابستگی به صادرات یا وابستگی به جریان‌های سرمایه خصوصی را به‌عنوان ویژگی‌های اصلی برای مواجهه اقتصاد با تکانه‌ها معرفی می‌کنند (عبدی و گیلک، ۱۳۹۷).

وجود شوک‌های برون‌زای اقتصادی که در غالب موارد خارج از کنترل کشورهاست، باعث می‌شود تا کشورهایی که درجه آسیب‌پذیری آنان بالا می‌باشد، اثرپذیری بیشتری از شوک‌ها داشته و توانایی کمتری در کاهش آثار منفی شوک‌های پیش‌گفته داشته باشند. در برابر، کشورهای برخوردار از سطح بالای تاب‌آوری در رویارویی با شوک‌های برون‌زای اقتصادی، قادر به ترمیم و بازسازی اقتصاد خویش پس از وقوع شوک‌ها هستند. شاید بتوان کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری را مترادف با اقتصاد مقاومتی قلمداد کرد (امیری و کریم، ۱۳۹۷).

بخش عمده‌ای از مطالعه‌های آسیب‌پذیری اقتصادی با استفاده از مشاهده‌های تجربی اثبات می‌کند که به‌طورمعمول کشورهای کوچک و به‌ویژه جزیره‌ای، به علت درجه بالای آزادی اقتصادی و تمرکز بیش‌ازحد اقتصاد بر روی صادرات، نسبت به دیگر کشورها، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری اقتصادی هستند. همین موضوع باعث می‌شود تا شوک‌های خارجی بر اقتصاد این کشورها اثرگذاری بالایی داشته باشند و این حقیقت به یک عدم مزیت بزرگ برای این کشورها بدل شود زیرا ریسک را در فرایندهای رشد این اقتصادها بالا می‌برد (بریگولیو و همکاران^۱، ۲۰۰۸). با این حال مشاهده می‌شود بسیاری از کشورهای کوچک به‌رغم اینکه در معرض بسیاری از شوک‌های بیرونی اقتصاد قرار دارند اما سطح بالایی از تولید ناخالص داخلی سرانه دارند؛ بنابراین وجود شوک‌های برون‌زای اقتصادی که در غالب موارد خارج از کنترل کشورهاست، باعث می‌شود تا کشورهایی که درجه آسیب‌پذیری آنان بالایی باشد، اثرپذیری بیشتری از شوک‌ها داشته و توانایی کمتری در کاهش آثار منفی شوک‌های پیش‌گفته داشته باشند.

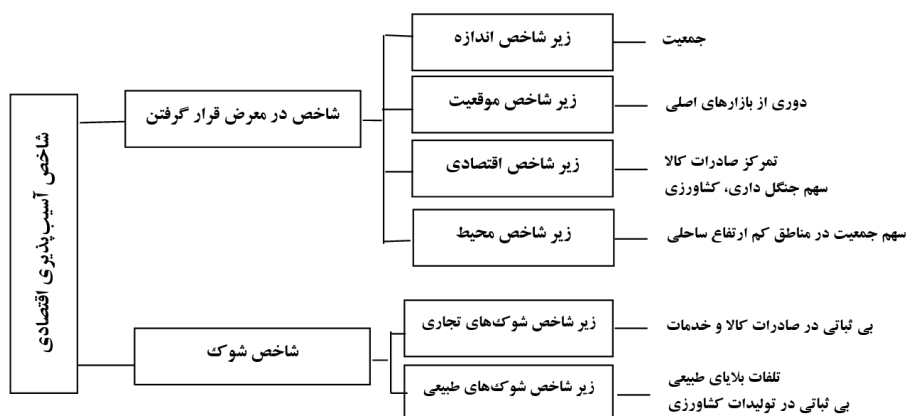
در برابر، کشورهای برخوردار از سطح بالای تاب‌آوری در رویارویی با شوک‌های برون‌زای اقتصادی، قادر به ترمیم و بازسازی اقتصاد خویش پس از وقوع شوک‌ها هستند. در وضعیت معمولی، ممکن است اقتصاد کشورهای گوناگون از نظر متغیرهای کلان

۱. Briguglio and et al

اقتصادی مانند نرخ رشد، نرخ تورم، نرخ بیکاری و ... در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند؛ اما هم‌زمان در رویارویی با شوک‌ها و نوسان‌های بیرونی و غیرقابل کنترل مانند تحول‌های اقلیمی، تحول‌های زیست‌محیطی یا نوسان‌های ناشی از مشکلات ساختار اقتصاد جهانی دچار شکنندگی بالایی بوده و در اصطلاح آسیب‌پذیرتر باشند. اهمیت این موضوع به آن انجامیده است تا کوشش‌های قابل توجهی از سوی برخی محققان و سازمان‌های بین‌المللی به منظور معرفی شاخص‌های کارآمد آسیب‌پذیری و تاب‌آوری صورت پذیرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی سازمان ملل، آسیب‌پذیری ساختاری کشورها را نسبت به شوک‌های برون‌زای اقتصادی و محیطی اندازه‌گیری می‌کند. هر چه اندازه این شاخص برای یک کشور کمتر باشد، بهتر بوده و به این معناست که آن کشور سطح آسیب‌پذیری کمتری را دارد. شاخص پیش‌گفته از هشت مؤلفه تشکیل شده است که هر یک در زیر شاخص‌های گوناگونی قرار دارند و زیر شاخص‌های یادشده نیز در دو شاخص اصلی «در معرض (شوک) قرار گرفتن» - هر چه بیشتر باشد، آسیب‌پذیری کمتر است و «اندازه شوک» - هر چه کمتر باشد، آسیب‌پذیری کمتر است جای دارند که همگی با هم تشکیل شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را می‌دهند (امیری و کریم، ۱۳۹۷). نمودار شماره ۲ شاخص‌های اندازه‌گیری سازمان ملل را برای آسیب‌پذیری اقتصادی ساختاری کشورها نسبت به شوک‌های برون‌زای اقتصادی و محیطی نشان می‌دهد.

نمودار ۲- شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی سازمان ملل (امیری و کریم، ۱۳۹۷).



محققانی چون بریگوگلیو (۱۹۹۷)، بریگوگلیو (۲۰۰۴) و گالی^۱، (۲۰۰۳)، فاروگیا^۲، (۲۰۰۴) مطالعات گسترده‌ای در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی انجام داده‌اند. بر اساس این مطالعات، آسیب‌پذیری به معنای در معرض آسیب قرار گرفتن و تزلزل و ناپایداری است. این مفهوم از زمانی در حوزه اقتصاد رواج یافت که مطالعاتی روی برخی از کشورهای کوچک با قدرت اقتصادی کم و خطر زیاد (از نظر عملکرد اقتصادی) انجام شد. پژوهش‌های اخیر در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی نشان می‌دهد. آسیب‌پذیری کشورها در برخی ویژگی‌های اقتصادی مربوط به درجه باز بودن اقتصادی، تمرکز صادرات و وابستگی به واردات کالاهای راهبردی است.

باز بودن اقتصاد: باز بودن اقتصاد را می‌توان با مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری کرد. درجه بالای باز بودن اقتصاد به این معناست که کشور به شرایط اقتصاد بین‌الملل حساس است و این، مشروط به توانایی کشور برای تولید طیفی از کالاها و خدمات با کیفیت به‌منظور برآورده کردن تقاضای کل است. اگر پایه تولیدی یک کشور به تولید تعداد کمی کالا محدود باشد، برای تأمین بخش اصلی مخارج خود به واردات

۱. Galea

۲. Farrugia

وابسته خواهد بود. ممکن است این بحث مطرح شود که اقتصاد باز تحت تأثیر تجارت بین‌الملل است، اما تجربه عملی نشان می‌دهد سیاست‌های تجاری بر ترکیب جریان تجارت خارجی کشور تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، اقتصاد باز نسبت به تجارت خارجی می‌تواند نشان‌دهنده قدرت و موفقیت کشور در بازارهای بین‌المللی باشد، اما مشارکت بیشتر در تجارت خارجی در کنار تمامی مزایای آن، کشور را بیشتر در معرض شوک‌های بیرونی قرار می‌دهد.

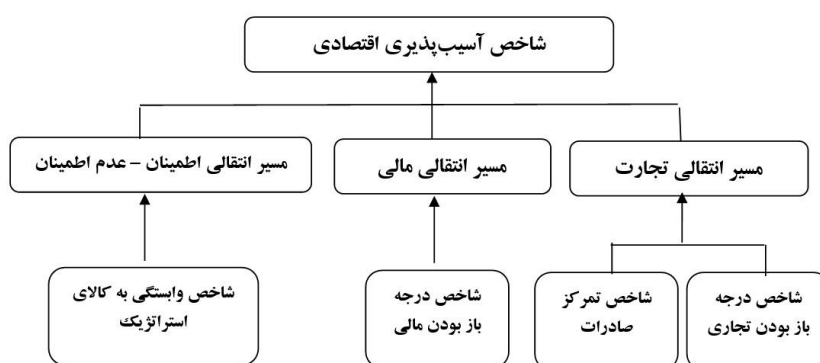
تمرکز صادرات: در کشورهایی که وابسته به یک کالا هستند، خطرهای مربوط به تنوع نداشتن صادرات افزایش می‌یابد. این شرایط نیز ناشی از ویژگی‌های تولیدی اقتصاد است. تمرکز صادرات را می‌توان با شاخص درجه تمرکز کالایی اندازه گرفت. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها برای اندازه‌گیری درجه تمرکز صادرات، شاخص هرفیندال هرشمن است. وابستگی به واردات کالاهای راهبردی: وابستگی به واردات کالاهای راهبردی، اقتصاد را در معرض شوک‌های مربوط به دسترسی و هزینه‌های واردات این کالاها قرار می‌دهد. این متغیر را می‌توان به صورت نسبت واردات انرژی، غذا یا ملزومات صنعتی به تولید ناخالص داخلی اندازه گرفت. بر اساس اندازه کشور، موقعیت صنایع و امکان واردات کالاهای جانشین متفاوت است. همه مطالعاتی که برای محاسبه شاخص آسیب‌پذیری از متغیرهای مذکور استفاده کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای کوچک از نظر اقتصادی آسیب‌پذیرتر از کشورهای دیگر هستند. این مفهوم از زمانی در ادبیات اقتصادی رواج یافت که مطالعه‌هایی روی برخی از کشورهای کوچک با قدرت اقتصادی پایین و ریسک فراوان به لحاظ عملکرد اقتصادی انجام شد (بریگوگلیو^۱، ۱۹۹۷).

از نظر سز و راگا^۲ (۲۰۱۲) تکانه‌های مالی و اقتصادی از طریق مسیرهایی به درون اقتصاد ملی یا اقتصاد جهان ورود می‌کنند که تحت عنوان مسیره‌های انتقال یا ورودی یاد

۱. Briguglio

۲. Seth and Raga

می‌شود. این مسیرها اغلب تجارت، جریان‌های سرمایه‌ای شخصی و کمک‌های رسمی توسعه‌ای هستند. تحولات جهانی از سه مسیر اصلی بر اقتصاد داخلی کشورها تأثیر می‌گذارد: مسیر تجارت، مسیر مالی و مسیر اطمینان - عدم اطمینان. در واقع ویژگی‌های ساختاری و مسیرهای انتقال هر دو آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهند. نمودار ۳- الگوی سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی



نمودار ۳ شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصادی ساختاری و مسیرهای انتقال آسیب به کشورها را نسبت به شوک‌های برون‌زای اقتصادی و محیطی بر اساس مطالعه نشان می‌دهد. از نظر گویلاموند (۲۰۱۰)، نکته حائز اهمیت دیگر توجه به تفاوت بین آسیب‌پذیری ساختاری و آسیب‌پذیری متأثر از سیاست‌ها است. در نوع اول، عوامل تعیین‌کننده آسیب‌پذیری اقتصادی برآمده از ویژگی‌های ذاتی یک کشور (مانند جمعیت و اندازه و دورافتادگی) است که به‌طورمعمول مستقل از سیاست‌های اصلاحی منجر به آسیب‌پذیری می‌شوند. به‌عنوان مثال، در رابطه با معیار دورافتادگی یا بلایای طبیعی، عملاً کاری از دست سیاست‌گذار ساخته نیست و یا در مورد اندازه یک کشور که به‌طورمعمول با جمعیت آن سنجیده می‌شود، اقدام برای اصلاح نرخ مولید و افزایش جمعیت اغلب زمان‌بر خواهد بود؛

اما در نوع دوم، سیاست‌ها اغلب قادرند که آسیب‌پذیری اقتصادی را تعدیل و اصلاح کنند. به‌عنوان مثال، در مورد شاخص تنوع در صادرات، می‌توان سیاست‌هایی در جهت تشویق صادرات کالاها اتخاذ کرد و یا در مورد وابستگی به انرژی، می‌توان به دنبال جایگزینی بخشی از نیاز مصرف داخلی با انواع دیگر انرژی بود (عبدی و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۹۶).

پیشینه پژوهش

در گذشته پژوهشی در خصوص تحلیل و تبیین دیپلماسی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در گام دوم انقلاب با تأکید بر برنامه هفتم توسعه کشور در ایران انجام نشده است. در این قسمت از مطالعه، برخی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون موضوع تحقیق به‌منظور مرور منسجم‌تر نتایج مطالعات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد، یافته‌های پژوهش‌های کلیدی به‌صورت خلاصه در جدول شماره ۱ آورده شده است. در این مسیر خواهیم دید که آنچه از مطالعات در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی در مورد کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌آید، مربوط به تکانه‌هایی است که از خارج از اقتصاد داخلی بر بدنه اقتصاد ملی وارد می‌شود، چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توسعه را تنها در ادغام و پیوستن به اقتصاد جهانی دیده‌اند و این رویکرد در برخی موارد عوارض جانبی سنگینی را بر آن‌ها تحمیل کرده است.

جدول ۱- خلاصه پژوهش‌های کلیدی درباره دیپلماسی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد

پژوهش‌گر (سال انجام تحقیق)	عنوان پژوهش	نتایج مطالعه
----------------------------------	-------------	--------------

تضمین روند توسعه کشور در فرایند انشا و اجرای برنامه هفتم مهم‌ترین ضرورت فراوری کشور قلمداد می‌شود و در این راستا پرداختن به مقوله توسعه از منظر سیاست خارجی با بهره‌گیری از ابزارها و سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی مقول‌های به‌غایت حائز اهمیت است. در پاسخ به این ضرورت‌ها، اولویت‌گذاری‌ها و هدف‌گذاری‌های کلان و راهبردی در برنامه هفتم می‌بایست ناظر بر «تحرك بخشی به چرخه قدرت ملی» و «تعیین جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل» باشد. حصول این اهداف متضمن اهداف مکمل دیگری در قالب «جهش اقتصادی» و «تعیین بخشی به جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی» است تا هم موازنه قدرت اقتصادی با قدرت سیاسی، نظامی کشور احیا گردد و هم سهم ایران در نظام اقتصادی و تجاری جهانی افزایش یابد.

اهداف و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

سلیمانی (۱۴۰۱)

اقتصاد مقاومتی راهبردی اقتصادی برای مقاوم‌سازی به معنای فعالانه آن است و منظور از اقتصاد مقاومتی فقط مقاوم‌سازی نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی و با پافشاری بر جنگ اقتصادی یا رویارویی با تهدیدهای خارجی نیست بلکه دو جنبه اصلی کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری دارد.

اقتصاد مقاومتی: افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری

امیری و کریم
(۱۳۹۷)

رهبران و تصمیم‌گیران در راستای قدرتمندی ایران و ارتقای جایگاه جهانی اقتصاد آن، باید دیپلماسی اقتصادی را محور سیاست خارجی ایران قرار دهند.

دیپلماسی اقتصادی؛ رهبرانی برای افزایش قدرت ملی ایران

موسوی شفاپی و
ایمانی (۱۳۹۶)

نتایج این مطالعه نشان داده است که وضعیت ایران از نظر شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در بین هشت کشور موردبررسی در دوره بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ مناسب نبوده به‌طوری که رتبه ایران در بیشتر سال‌های این دوره (۱۳ سال) از میانگین هشت کشور بالاتر بوده است. همچنین روند تغییرات این شاخص برای ایران در این دوره مثبت و صعودی است. علاوه بر این، تحلیل عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری اقتصادی ایران نشان داده که در این دوره مهم‌ترین عامل تفاوت در سطح آسیب‌پذیری اقتصادی ایران در مقایسه با هشت کشور منتخب، ضعف در تنوع‌بخشی به صادرات است.	مقایسه‌ای از آسیب‌پذیری اقتصادی ایران با سایر کشورهای با درآمد متوسط منتخب	عبدی و گیلک حکیم آبادی (۱۳۹۶)
رابطه مثبت و معنی‌دار بین استقلال اقتصادی و تاب‌آوری اقتصاد وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که یک واحد افزایش در استقلال اقتصادی، آسیب‌پذیری بخش کلان اقتصاد را در کوتاه‌مدت به میزان ۰/۳۲ واحد و در بلندمدت به میزان ۰/۱۳ واحد کاهش می‌دهد.	رابطه شاخص استقلال اقتصادی و تاب‌آوری اقتصادی در ایران	خادم علیزاده و همکاران (۱۳۹۵)
نتیجه‌ها نشان می‌دهد که برآورد شاخص تاب‌آوری اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ کمترین مقدار و در سال ۱۳۵۹ بیشترین مقدار داشته است. پایین بودن شاخص تاب‌آوری اقتصادی، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی است. همچنین نتیجه‌ها نشان می‌دهد که شاخص تاب‌آوری اقتصادی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ارتباط مستقیمی دارد.	برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی به روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک	ابونوری و لاجوردی (۱۳۹۵)
نتیجه‌های این بررسی نشان داد که کشورهای توسعه‌یافته دارای تاب‌آوری بالا و کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای آسیب‌پذیری بالا هستند.		انگیون و باتیس (۲۰۱۵)
نویسندگان در مطالعه خود، مفاهیم و معیارهای اقتصاد تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی را بررسی و چهار شاخص عمده تقویت‌کننده تاب‌آوری اقتصادی را معرفی کرده‌اند؛ این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازار اقتصاد خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی.	آسیب‌پذیری اقتصادی و انعطاف‌پذیری: مفاهیم و اندازه‌گیری‌ها مطالعات توسعه آکسفورد	بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۹)

دیپلماسی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در رقابت‌پذیری بین‌المللی ایفای نقش می‌نماید. بر ضرورت همکاری و هماهنگی میان تمام فعالان (بخش خصوصی و دولتی) در جمع‌آوری و انتشار چنین اطلاعات رقابتی تأکید می‌کند.

**تبیین مفهومی
دیپلماسی بازرگانی در
زمینه جهانی شدن**

نارای (۲۰۰۸)

کشورهای دارای آسیب‌پذیری‌های دائمی و ذاتی باید توجه بیشتری به مفهوم مقاوم‌سازی کنند و در معاوضه بین رشد حداکثری و مقاوم‌سازی، حد بهینه را برگزینند. به گمان نویسنده، مهم‌ترین مجاری آسیب‌پذیری هر کشور عبارت هستند از: درجه بالای باز بودن اقتصاد به‌طوری‌که کشور نسبت به شرایط اقتصاد جهانی به‌طور کامل تأثیرپذیر و تحت خطر است. وابستگی به صادرات محدود و عدم متنوع‌سازی، وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک از جمله انرژی و تولیدهای صنعتی که به علت عدم امکان اجرایی‌سازی سیاست جانشینی واردات تشدید می‌شود، انزوای اقتصادی، وابستگی به محیط پیرامونی و دور بودن از بازارهای جهانی که به هزینه بالای حمل‌ونقل و هزینه نهایی می‌انجامد.

**آسیب‌پذیری اقتصادی
و تاب‌آوری: مفاهیم و
اندازه‌گیری‌ها**

بریگوگلیو (۲۰۰۴)

از نظر نویسندگان شاخص ساده تاب‌آوری، جی‌دی‌پی سرانه است، زیرا این متغیر، توانایی کشور برای مقابله با آسیب‌پذیری را در برمی‌گیرد. شاید بار منفی آسیب‌پذیری سبب شد بر جلیو (۲۰۰۴) اولین شاخص تاب‌آوری اقتصاد را ارائه دهد. از نگاه او تاب‌آوری، حداقل سه توانایی پنهان در اقتصاد را نشان می‌دهد: توانایی اجتناب از این شوک‌ها، توانایی تحمل این شوک‌ها و توانایی بازیابی سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده بیرونی.

**به‌روزرسانی و تقویت
شاخص آسیب‌پذیری
اقتصادی**

بریگوگلیو و
گالیا (۲۰۰۳)

نتایج در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی نشان می‌دهد آسیب‌پذیری کشورها در برخی ویژگی‌های اقتصادی مربوط به درجه باز بودن اقتصادی، تمرکز صادرات و وابستگی به واردات کالاهای راهبردی است.

**شاخص‌های
آسیب‌پذیری اقتصادی
جایگزین برای
کشورهای
در حال توسعه**

بریگوگلیو
(۱۹۹۷)

روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

به لحاظ اینکه هدف از انجام این تحقیق به کارگیری نظریات موجود، در پی ارائه تصریح و تبیین مفهوم تبیین دیپلماسی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی در پیوند با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور در گام دوم انقلاب با اولویت اصلی پیشرفت اقتصادی می‌باشد، بنابراین یک تحقیق تحلیلی - تبیینی محسوب می‌گردد. این مطالعه با روش اسنادی، کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بدین منظور جهت تهیه اطلاعات از مقالات، کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین و سایت رسمی دفتر حفظ و نشر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه اقتصادی گردآوری شده است و سعی بر آن شده تا در سطح کلان، الگویی مناسب و تصویر درستی از نقش‌آفرینی دیپلماسی و کارکرد دیپلماسی اقتصادی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد با تکیه به اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در تجارت بین‌الملل اصل بر این است که هر کشور شرکای تجاری خود را گسترده سازد و سطح تعاملات تجاری آن با هر کشور از حد معینی بالاتر نرود تا در صورت تحریم و یا بروز تکانه، اقتصاد داخلی دچار تلاطم شدید نشود و بتواند به راحتی به دنبال جایگزین مناسب باشد. اگرچه نمی‌توان تأثیرپذیری سیاست‌های اقتصادی در جامعه جهانی و بین‌المللی را از تصمیمات سیاسی دولت‌ها نادیده گرفت، اما این امر را باید در نظر داشت که امروز اقتصاد اولویت مهم در تعاملات اقتصادی کشورها است و بر این اساس آن‌ها تلاش می‌کنند با دیپلماسی اقتصادی توان لابی‌گری، چانه‌زنی و رقابت‌پذیری خود را در جامعه بین‌المللی بالا برده و منافع ملی خود را به مناسب‌ترین شکل تأمین کنند.

محور قرار دادن اقتصاد و تلاش برای به کارگیری و توسعه دیپلماسی اقتصادی، علاوه بر تأمین منافع ملی و بهبود شرایط داخلی کشور، افق تازه‌ای را در مسیر تثبیت و ارتقای جایگاه

نظام جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی ترسیم می‌کند. در این مسیر می‌توان با به‌کارگیری نرمش در سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه در تعاملات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی از دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی بیشترین بهره را برد. بر این اساس، این مطالعه با هدف تبیین و تحلیل دیپلماسی اقتصادی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور با رویکرد اقتصاد مقاومتی در پیوند با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور در گام دوم انقلاب که به‌صورت مروری، اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه و صورت پذیرفته است.

در جریان این تطور مفهومی، اظهارنظرهای گوناگونی درباره مفهوم اقتصاد مقاومتی در محافل علمی و دانشگاهی و نیز نشست‌های علمی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. شاید بیشترین ارزش اندیشیدن درباره اقتصاد مقاومتی را بتوان اهمیت یافتن برقراری توازن بهینه بین مواردی مانند جهانی‌شدن و متکی به داخل بودن، مداخله دولت و آزادی اقتصادی، بنگاه‌های بزرگ و کوچک، کارایی، کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری دانست. در مورد اقتصاد ایران، با در نظر گرفتن تحولات اخیر، به‌طور کل می‌توان اقتصاد کشور را در معرض دو گروه از ریسک‌ها با منشأ داخلی و خارجی در نظر گرفت. با توجه به اینکه نگاه پژوهش حاضر به حوزه ارتباط خارجی کشور است، بنابراین تکانه‌هایی مدنظر قرار گرفته‌اند که از منبعی خارج از اقتصاد داخلی ایجاد شده‌اند.

نتایج حاصل از جمع‌بندی مطالعات مرتبط و این پژوهش حکایت از آن دارد که در ادبیات مربوط به آسیب‌پذیری اقتصادی تکانه‌های غیرقابل پیش‌بینی، اغلب نامطلوب (مانند تورم داخلی و جهانی، مخارج دولت، قیمت‌های جهانی نفت و...) هستند و هر چه یک کشور بیشتر در معرض آن‌ها قرار گیرد، آسیب‌پذیرتر و احتمالاً بی‌ثبات‌تر خواهد بود. مهم‌ترین ریسک خارجی تأثیرگذار بر اقتصاد ایران، تشدید تحریم‌های خارجی است. تشدید تحریم‌های خارجی، در درجه نخست صادرات نفت و در کنار آن، صادرات محصول و واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات را تحت تأثیر قرار داده است.

علاوه بر مسئله تحریم‌های خارجی، برخی مسائل دیگری از جمله پایین بودن رتبه اعتباری کشور، مسئله عضویت ایران در گروه ویژه اقدام مالی و فاصله نظام مالی کشور با استانداردهای بین‌المللی و نظایر آن نیز بر کاهش سطح تعاملات اقتصادی کشور با سایر کشورها تأثیرگذار است که آن‌ها نیز هریک مزید بر مشکلات شده‌اند. وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای صادرات نفت در تراز تجاری کشور، میزان تأثیرپذیری اقتصاد را در برابر تحریم‌های خارجی افزایش داده است. دیپلماسی اقتصادی در شرایطی مورد توجه در برنامه هفتم توسعه قرار می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران در موقعیت بسیار حساس بین‌المللی واقع شده است؛ از ابهام مذاکرات هسته‌ای گرفته تا تحریم‌های ظالمانه.

یکی از چالش‌ها و مسائل مهم در فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف توسعه‌ای به موجب برنامه هفتم وجود تحریم‌های مستمر و تشدید شونده علیه کشورمان است. آسیب‌پذیری با در معرض شوک‌های خارجی قرار گرفتن همراه است و تاب‌آوری با سیاست‌هایی که کشورها را قادر می‌سازد در برابر آثار منفی حاصل از شوک‌های خارجی، تاب آور باشند یا آسیب‌ها را کمینه کنند؛ بنابراین، در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در فرآیند اجرای برنامه هفتم توسعه، باید به این نکته توجه کافی مبذول داشت. یکی از راهکارهای مؤثر جهت رفع تحریم‌ها و کاهش آثار زیان‌بار آن، خدشه‌دار کردن اعتبار ساختارهای تحریمی است. نکته مهم دیگر در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در برنامه هفتم، توجه به محیط همسایگی و قدرت‌های نوظهور است. مهم‌ترین مسئله بخش خارجی، مشکلاتی است که تحریم‌های خارجی در مسیر مبادلات بانکی و تجارت خارجی ایجاد کرده است. با این حال به‌رغم فشارهای خارجی، بخش‌هایی از صادرات غیرنفتی ایران به‌ویژه در اقلام اصلی صادراتی، کماکان ادامه دارد. البته برخی اشتباهات دولت در سال گذشته از جمله ممنوعیت‌های صادراتی و تغییرات پی‌درپی مقررات ارزی و تجاری، به صادرات کشور لطمه زد. با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به تنوع اقلام

صادراتی و تعدد مقاصد صادراتی، امکان صادرات در سطح فعلی همچنان تداوم داشته باشد. به لحاظ بازپرداخت بدهی‌های خارجی، با توجه به اینکه مجموع سررسید تعهدات قطعی و بالقوه کشور نسبت به روند گذشته و در مقایسه با ذخایر ارزی و تراز تجاری کشور اندک است لذا فعلاً از این بابت کشور در معرض ریسک بازپرداخت بدهی‌های خارجی قرار ندارد. هرچند ممکن است موانع کارگزاری و انتقالات وجوه، برخی مشکلات موردی در بازپرداخت بدهی‌ها ایجاد کند.

تحقق این امر، بدون همکاری، هماهنگی و هم‌آوایی دستگاه‌های ذی‌ربط سیاست خارجی و اقتصادی و تجاری کشور، دیپلماسی اقتصادی نمی‌تواند موفق گردد. البته دیپلماسی اقتصادی با توجه به ماهیت خود محدود به وزارت امور خارجه نبوده و صرفاً در زمره وظایف و کارکردهای این وزارتخانه محسوب نمی‌شود، بلکه مستلزم مشارکت سایر دستگاه‌ها و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی است. از این رو، نظارت مجلس شورای اسلامی بر نحوه و نتایج کاربست دیپلماسی اقتصادی نیز مستلزم آن است که عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی همانند وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ وزارت راه و شهرسازی؛ سازمان توسعه تجارت و وزارت نیرو را نیز رصد کند و همگی باید با وحدت و یک‌صدایی دارای برنامه‌های منسجم و مرتبطی در زمینه رابطه اقتصادی با دیگر کشورها و سرمایه‌گذاران خارجی باشند.

در این راستا، سازوکار نظارتی می‌تواند بر موظف سازی این نهادها به اعلام سالیانه اولویت‌های خود به وزارت امور خارجه در حوزه‌هایی مانند تولیدات مشارکتی، جذب سرمایه، صدور کالا و خدمات به‌منظور هماهنگی مستمر و استفاده از ظرفیت‌های روابط خارجی با کشورهای هدف و نحوه عملکرد آن‌ها طی بازه زمانی برنامه هفتم متمرکز شود؛ بنابراین، مهم‌ترین نقش را میان دستگاه‌های مرتبط با دیپلماسی اقتصادی کشور، وزارت امور خارجه به‌عنوان هماهنگ‌کننده بر عهده دارد و به مسئولان ذی‌ربط آن پیشنهاد می‌گردد در

اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی، ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌الملل، از پرداختن شعارى و در حد گفتار به این مقوله خودداری نموده و نسبت به اجرایی شدن آن اهتمام لازم را داشته باشند.

از این رو موارد ذیل جهت هموار شدن مهم‌ترین نیازها و الزامات دستیابی به دیپلماسی فعال اقتصادی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور با رویکرد اقتصاد مقاومتی در پیوند با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور در گام دوم انقلاب با همبستگی بین مردم، مسئولین و رسانه ملی پیشنهاد می‌شود:

۱. قرار گرفتن اقتصاد بر محور حرکت‌های جهادی در گام دوم انقلاب؛
۲. آمادگی همه‌جانبه و افزایش توان تاب‌آوری اقتصادی مردم در گام دوم انقلاب از طریق بازگویی و تبیین تحریم‌های گذشته (مخصوصاً در تاریخ اسلام) محاصره سه‌ساله اقتصادی پیامبر اسلام به همراه یاران و خانواده ایشان و تحریم‌های قبل از انقلاب (دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت) و تحریم‌های زمان دفاع مقدس؛
۳. داشتن امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده اقتصاد و دستگاه دیپلماسی کشور؛
۴. استفاده از ظرفیت جوانان کشور در پیشگامی شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن؛
۵. برداشتن گام‌های استوار و بلند با محیط‌شناسی و بررسی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدیدهای محیطی (SWOT)؛
۶. مدیریت جهادی در دیپلماسی اقتصادی با اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛
۷. اتکا به توانایی داخلی و انتقال روحیه و باور «ما می‌توانیم» با رویکرد برون‌گرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛
۸. در دستور کار قرار دادن انتقال تجارب و مهارت‌های پیشکسوتان اقتصادی و دیپلماسی کشور در روابط خارجی؛
۹. در پیش گرفتن و پایبندی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در روابط خارجی؛
۱۰. بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی (مشوق‌های اقتصادی) در تعاملات با کشورهای همسو مخصوصاً کشورهای همسایه؛

۱۱. ترویج فرهنگ استفاده از مشوق‌های اقتصادی بین کشورهای همسو و تبدیل آن به یک فرهنگ جهانی در مقابل ابزارهای تنبیهی اقتصادی؛
۱۲. فرصت دانستن تحریم‌ها مخصوصاً تحریم‌های نفتی ایران برای خروج از وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام؛
۱۳. بررسی کمی و کیفی وابستگی اقتصاد ایران به نفت در ۴۵ سال گذشته پس از انقلاب اسلامی؛
۱۴. ارائه راه کارهای کاهش یا قطع وابستگی اقتصاد ایران به نفت؛
۱۵. بررسی مقایسه‌ای میزان وابستگی اقتصاد ایران به نفت در قبل و بعد از انقلاب اسلامی؛
۱۶. میزبانی همایش‌های بین‌المللی اقتصادی و همسو کردن سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛
۱۷. حفظ مشروعیت و اعتبار کشور در چشم افکار عمومی و جامعه محل فعالیت؛
۱۸. به کارگیری مجامع و رسانه‌های بین‌المللی برای حفظ اعتبار کشور؛
۱۹. پیش‌بینی تنش‌های احتمالی دولت‌های خارجی، سازمان‌های غیردولتی و دیگر بازیگران اقتصادی با هدف کاهش ریسک سیاسی و اقتصادی؛
۲۰. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور با رعایت اصل ۴۳ قانون اساسی؛
۲۱. توجه و پیروی از اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
۲۲. طراحی و تدوین راهبردهای حفظ استقلال اقتصادی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛
۲۳. بررسی مقایسه‌ای فرصت‌ها، پتانسیل‌ها و استقلال اقتصادی ایران با سایر کشورهای جهان؛
۲۴. ارائه مدل چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی ایران در گام دوم انقلاب؛
۲۵. بررسی رابطه چالش‌های درونی و بیرونی اقتصاد کشور با عملکرد دولت‌های پس از انقلاب؛
۲۶. بررسی چالش‌های بیرونی اقتصاد ایران در ۴۵ سال گذشته پس از انقلاب اسلامی؛
۲۷. ایفای نقش نظارتی مجلس شورای اسلامی بر کارکرد دیپلماسی اقتصادی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی در راستای اولویت‌ها و اهداف

فهرست منابع

- ابونوری، اسماعیل و لاجوردی، محمدحسین (۱۳۹۵). «برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی به روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال سوم، شماره سوم.
- احمدی، علی‌محمد (۱۳۹۷). «رهایی از اقتصاد وابسته (خودکفایی) راهبرد امام خمینی (ره) در عرصه اقتصاد»، مجموعه مقالات بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره). اختری، عباس‌علی (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی: زمینه‌ها - راهکارها»، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز و غلامی، محمدحسن (۱۳۹۷). «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه‌های توسعه: آسیب‌شناسی برنامه‌های چهارم تا ششم»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۲.
- امیری، حسین و کریم، محمدحسین (۱۳۹۷). «اقتصاد مقاومتی: افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری»، دو فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد مقاومتی، سال سوم، شماره ۶.
- تفرشی، امیرعلی و شفقت، ابوطالب (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان خودکفایی در بیانات امام خمینی (ره)، با تأکید بر بعد نظامی و دفاعی خودکفایی»، فصلنامه بهبود مدیریت، سال یازدهم، شماره ۲.
- حق‌شناس کمیاب، سید علی (۱۳۹۰). «مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک»، چاپ اول، تهران: انتشارات سنا.
- خادم‌علیزاده، امیر و همکاران (۱۳۹۵). «رابطه شاخص استقلال اقتصادی و تاب‌آوری اقتصادی در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، سال چهارم، شماره ۳.

خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۹). «ارزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران (۸۸-۱۳۶۸)»، دو فصلنامه برنامه‌بودجه، دوره پانزدهم، شماره ۱.

سلیمانی، فاطمه (۱۴۰۱). «اهداف و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

عبدی، جابر و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۹۶). «مقایسه‌ای از آسیب‌پذیری اقتصادی ایران با سایر کشورهای با درآمد متوسط منتخب»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۶.

فتحی، یحیی و پاکدامن، رضا (۱۳۸۹). «جایگاه شرکای ایران در دیپلماسی تجاری»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۳.

مالک، محمدرضا (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی و نقش روحانیت در پیدایش آن»، چاپ اول، قم: انتشارات وثوق.

موسوی، سید عطاءالله (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی و سیاست خارجی»، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، انتشارات زمزم.

موسوی شقایق، مسعود و ایمانی، همت (۱۳۹۶). «دیپلماسی اقتصادی رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶.

مؤمنی، فرهاد (۱۳۷۱). «ضرورت کوشش در راه تحقق آرمان استقلال اقتصادی»، اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (ره).

میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۰). «نظام اقتصادی اسلام»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳). «مکتب و نظام اقتصادی اسلام»، تهران: انتشارات نینوا.

Angeon, V., and Bates, Resilience Indexes: A Sustainable Approach”; World Development, 72, 2015.

Baranay, P. (2009), Modern Economic Diplomacy. Available at: www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf

Briguglio, L; “cciiiiiii eeeeeelllty add Relllccce: Ccccsss add eeauuee; In Briguglio, L. and Kisanga, E.J. (eds); Vulnerability and Resilience of Small States; Common wealth Secretariat and the University of Malta, 2004”

Briguglio, L. (1997). Alternative economic vulnerability indices for developing countries. New York: United Nations Department of Economic and Social Affairs.

Briguglio, L. (2004). Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements. In L. Briguglio & E. J. Kisanga (Eds.), *Economic Vulnerability and Resilience of Small States* (pp.1-20). Msida, Malta: University of Malta.

Briguglio, L., & Galea, W. (2003). Updating and augmenting the economic vulnerability index. Msida, Malta: Island and Small States institute.

Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic vulnerability and resilience: Concepts and measurements. *Oxford Development Studies*, 37(3), 229-47. [DOI:10.1080/13600810903089893]

Farrugia, N. (2004). Economic vulnerability: Developing a new conceptual framework and empirically assessing its relationship with economic growth [PhD. dissertation]. Msida, Malta: University of Malta.

<http://www.Khamenei.ir>

<http://www.Imam-Khomeini.ir>

Naray, O. (2008), *Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview*, In 7th World Conference of TPOs The Hague The Netherlands, Netherlands.

Ploae, C. (2010), "Recent trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area", Available At: <https://www.researchgate.net/publication/242083669> Recent trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area

Rana, K. S. (2007), "Economic diplomacy: the experience of developing countries", *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiations in International Economic Relations*, Aldershot: Ashgate.

Sobhan, Farooq (2009), Focus on economic diplomacy: The priority tasks", Available at: <http://ruchichowdhury.tripod.com> worldbank.org (2015).

